



## سبک‌شناسی صالح حسینی از رهگذر ترجمه‌گری اسامی خاص در پنج رمان ترجمه‌شده از دو نویسنده از منظر لپیپهالم

ابوالفضل حری\*

(نویسنده مسئول)

استادیار مطالعات ترجمه دانشگاه اراک، اراک، ایران

Email: horri2004tr@gmail.com



### چکیده

بحث ترجمه اسامی خاص، یکی از مباحث چالش‌برانگیز مطالعات ترجمه و به طریق اولی، ترجمه ادبی محسوب می‌شود و از دو حیث اهمیت دارد. اول: اسامی خاص از جمله مقولات فرهنگ مادی و معنوی هر زبان و فرهنگ، و مرتبط با هویت و ایدئولوژی آن فرهنگ است. دوم: شگردهای مترجمان در ترجمه اسامی خاص ممکن است به نوعی از سبک و به طریق اولی، از حضور و صدای مترجمان هم خبر بدهد. ترجمه‌گری اسامی خاص را از رهگذر الگوها و رویکردهای گوناگون بررسی می‌کنند. این مقاله، سبک صالح حسینی را در مقام مترجم ادبی از منظر الگوی لپیپهالم در پنج رمان از دو نویسنده بررسی می‌کند: حسینی از رهگذر شگردهای حفظ صورت و جایگزینی نام‌های خاص که از جمله مؤلفه‌های الگوی لپیپهالم است، و به ترتیب با راهبردهای ترجمه غرابت‌زا و غرابت‌زدا متناظر است، از یک‌سو، سبک نویسندگان، و از دیگر سو، سبک و حضور خود را نشان داده است. این مقاله با تأسی به الگوی لپیپهالم و با روش گردآوری گزیده‌ای از اسامی خاص در پیکره‌ای متشکل از پنج رمان از دو نویسنده یعنی *مزرعه حیوانات* و *۱۹۸۴* (آرول)، و *خشم و هیاهو*، *ابشالوم! ابشالوم!* و *برخیز ای موسی* (فاکنر) نشان می‌دهد حسینی در ترجمه‌گری اسامی خاص این آثار کوشیده است میان حفظ سبک این نویسندگان و بروز سبک خود هماهنگی برقرار کند و نشان بدهد اگر در متن اصلی، «سبک، خود نویسنده است»، در ترجمه نیز سبک، خود مترجم است.

### اطلاعات مقاله

تاریخ ارسال: ۱۴۰۰/۱۱/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۱۷

تاریخ انتشار: تابستان ۱۴۰۱

نوع مقاله: علمی پژوهشی

### کلید واژگان:

ترجمه ادبی، سبک‌شناسی، اسامی خاص، حفظ صورت، جایگزینی

شناسه دیجیتال DOI: 10.22059/JFLR.2022.338523.931

حری، ابوالفضل. (۱۴۰۱). سبک‌شناسی صالح حسینی از رهگذر ترجمه‌گری اسامی خاص در پنج رمان ترجمه شده از منظر لپیپهالم. پژوهش‌های زبان‌شناختی در زبان‌های خارجی، ۱۲ (۲)، ۱-۱۸.

Horri, A. (2022). Saleh Hosseini's Stylistics through Translating Proper Names In Five Translated Novels Based on Leppihalme's Model. Foreign Language Research Journal, 12 (2), 1-18.



## Saleh Hosseini's Stylistics through Translating Proper Names In Five Translated Novels Based on Leppihalme's Model



**Abolfazl Horri \***

(corresponding author)

Associate Professor Translation Studies, Arak University, Arak-Iran

Email: horri2004tr@gmail.com

### ABSTRACT

*Translating the proper names (PNs) is one of the most challenging topics in translation studies and, at best, in literary translation studies and it seems to be important in two ways. First, the PNs, including the categories of material and spiritual items of each language and culture, are related to the identity and ideology of that culture. Second, translators' strategies in translating the PNs may indicate the translator's presence, voice, and style. Translating the PNs can be investigated through a variety of patterns and approaches. This paper examines Saleh Hosseini's style, as a literary translator, based on Leppihalme's model, in his five translated novels. Hosseini has preserved the original writers' style through 'retention of the name' and has shown his style through 'replacing the name by another name,' as two main procedures proposed by Leppihalme (Leppihalme, 1997). This paper used a method of collecting data from the PNs in a body consisting of five novels by two authors, namely Animal Farm and 1984 by G. Orwell, and The Sound and The Fury, Absalom! Absalom! and Go Down, Moses by W. Faulkner, shows that Hosseini, in translating the PNs of these works, has tried to reconcile the preservation of the style of these writers with that of his style, showing that if in the original text, "style is the man himself," in translation, style is the translator himself.*

DOI: 10.22059/JFLR.2022.338523.931

### ARTICLE INFO

Article history:

Received: February 5, 2022

Accepted: March 8, 2022

Available online:

Summer 2022

### Keywords:

*Literary translation,  
Stylistics, Proper Names,  
Retention, Replacement*

Horri, A. (2022). Saleh Hosseini's Stylistics through Translating Proper Names In Five Translated Novels Based on Leppihalme's Model. Foreign Language Research Journal, 12 (2), 1-18.

\* Abolfazl Horri, He has written more than 40 academic papers, and translated more than ten books & 150 articles in different journal. He is interested in Translation Studies, Narratology, Comparative Literature, Stylistics, Quranic Studies, and Humor Studies.

عمده چهارچوب نظری بحث در الگوهای پیشنهادی صاحب‌نظران و ترجمه‌پژوهان برای ترجمه‌اسامی خاص ریشه دارد. در این میان، چند راهکار و الگو زبان‌زد است. از آن جمله است: نیومارک (Newmark, 1988)، هاروی و هیگنز (Hervey & Higgins, 1992)، بیکر (Baker, 1992)، لپهالم (Lippihalme, 1997)، فرناندز (Fernandes, 2006)، و سارکا (Sarkka, 2007) (بنگرید به حری، ۱۳۹۸). در این میان، الگوی کارآمدتر را لپهالم (۱۹۹۷) برای ترجمه‌اسامی تلمیح‌دار پیشنهاد می‌کند. لپهالم (۹-۷۸) برای ترجمه‌اسامی خاص سه راهکار کلی دارد: یا اینکه نام خاص بدون تغییر در زبان مقصد حفظ شود؛ یا اینکه نام خاص تغییر کند؛ یا اینکه نام خاص در کل حذف شود (بنگرید به ادامه). همچنین، فرناندز (۲۰۰۶) در بررسی اسامی خاص در فانتزی‌های کودکان، به ده راهبرد برای ترجمه‌اسامی اشاره می‌کند: حفظ معنا (rendition)، کپی (copy)، ترانویسی (transliteration)، نوآفرینی (re-creation)، جایگزینی (substitution)، حذف (deletion)، اضافه (addition)، جابجایی (disposition)، جایگزینی آوایی (phonological replacement)، عرف‌گرایی (conventionality). البته، نیک پیداست که این الگوها در برخی مؤلفه‌ها با یکدیگر هم‌پوشانی دارند. در مجموع، می‌توان مؤلفه‌های این الگوها را ذیل دو عنوان کلی راهبردهای ترجمه غرابت‌زا (foreignizing strategies) و غرابت‌زدا

بحث ترجمه‌اسامی خاص، یکی از مباحث چالش‌برانگیز مطالعات ترجمه و به طریق اولی، ترجمه‌ادبی محسوب می‌شود و از دو حیث اهمیت دارد. اول: اسامی خاص از عناوین آثار ادبی گرفته، تا اسامی شخصیت‌ها، مکان‌های جغرافیایی، اماکن تاریخی، واژگان فرهنگی و مذهبی، واژگان معماری، اسامی گل‌ها و گیاهان و جز اینها، از جمله مقولات فرهنگ مادی و معنوی هر زبان و فرهنگ و سرزمین محسوب می‌شود. حال، با توجه به این که گاه، این اسامی، در یک فرهنگ، بار معنایی خاص هم پیدا می‌کنند و به هویت و ایدئولوژی آن فرهنگ گره می‌خورند، توجه به ترجمه‌گری این اسامی دوچندان اهمیت می‌یابد. از حیث دیگر، شگردهای مترجمان در برگردان اسامی خاص ممکن است به نوعی از حضور مترجمان در متون ترجمه شده و به طریق اولی، از سبک و صدای مترجمان هم خبر بدهد. به نظر می‌رسد بررسی ترجمه‌گری اسامی خاص که از رهگذر الگوها و رویکردهای گوناگون صورت می‌گیرد، می‌تواند از حضور و سبک و صدای مترجمان نشانی به دست بدهد. این مقاله، سبک صالح حسینی در مقام مترجم ادبی را از رهگذر بررسی شگردهایی که در ترجمه‌اسامی خاص پنج رمان از دو نویسنده به کار برده است، از منظر الگوی پیشنهادی لپهالم بررسی و تبیین می‌کند.

(domesticating strategies) جای داد که در ادامه  
جزیی تر بررسی می‌شوند.

همان‌گونه که گفته شد، اسامی خاص، انواع و اقسام  
گونگون دارند، و در متون به ویژه ادبی، کارکردها و  
نقش‌های مختلف نیز ایفا می‌کنند. از یک سو، اسامی خاص  
جزو مقولات فرهنگی قرار می‌گیرند. نیومارک (۱۹۸۸)  
فرهنگ را روش زندگی و تجلیات آن می‌داند که مختص  
جامعه‌ای است که از زبانی خاص برای بیان افکار خود  
استفاده می‌کند. ورمیر (Vermeer, 2007) زبان را فرهنگ  
و فرایند زبانی تعریف می‌کند. از منظر وی، زبان، بخش  
خودویژه زبان است و ترجمه، پدیده‌ای فرهنگی است که با  
فرهنگ‌های خودویژه سر و کار دارد: ترجمه، فرایند انتقال  
فرهنگ است» (ص. ۴۰). وویو (Wu, 2008: 123)  
فرهنگ را «روش کلی زندگی یک جامعه» می‌داند که  
مشمول همه شئون زندگی می‌شود. مزماز (Mezmaز,  
2010) آن را مجموعه‌ای از نگرش‌هایی می‌داند که  
رفتارهای گروهی را در اختیار دارد. همه این تعاریف بر  
ارتباط میان زبان و فرهنگ تأکید می‌کنند.

در ارتباط با طبقه‌بندی نام‌های خاص، نیومارک (۱۹۸۸)  
مقولات فرهنگی را از چند قسم می‌داند که فرهنگ مادی و  
اجتماعی از این مقوله‌اند. میرزاسوزنی (۱۳۸۷) اسامی خاص  
را از حیث معنایی، از چهار نوع می‌داند: مادی یا جسمانی  
(concrete) مشتمل بر اسامی مربوط به اشیاء و اجسام  
محیط اطراف؛ مجازی (figurative) عمدتاً ناظر به اسامی

خاص؛ فنی و تخصصی (technical) مشعر به واژگان  
علمی و تخصصی رایج در حرفه‌ها و پیشه‌ها و کسب و کار  
فنی؛ و عامیانه و محاوره‌ای (slang) ناظر به کاربرد اسامی  
در زبان گفتار و محاورات. میرزاسوزنی (همان) به تبعیت از  
نیومارک و سایرین که پیش‌تر اشاره کردیم، اسامی خاص را  
به اقسامی تقسیم می‌کند: ۱) اسامی خاص ناظر به اشخاص؛  
۲) نام‌های جغرافیایی متأثر از سه عامل: مکانی، زبانی و  
انسانی؛ و ۳) نام‌های ناظر به اشیاء. مراد از نام افراد، نام  
شخصیت‌ها در آثار ادبی است. برای نام‌های جغرافیایی  
می‌توان به نام مکان‌ها و محل‌ها، و برای نام اشیاء می‌توان به  
هر گونه نام ناظر به اشیاء اشاره کرد که نمونه‌های آن در  
ترجمه‌گری نام‌های خاص در پنج رمانی که صالح حسینی  
ترجمه کرده، به کرات آمده است که بدان‌ها اشاره خواهد  
شد. از میان منابع مختلف مرتبط با بررسی نام‌های خاص،  
هیچ منبعی، نام‌های خاص را در این پنج رمان بررسی نکرده  
است، جز اینکه حری (۱۳۸۹) ترجمه گفتمان غیرمستقیم  
آزاد رال در ترجمه فارسی به سوی فانوس دریایی بررسی  
کرده است. چند پژوهشگر نیز نام‌های خاص را در آثار ادبی  
مختلف بررسی کرده‌اند. از آن جمله است عنابی سراب  
(۱۳۸۸) که ترجمه نام‌های خاص را در رمان‌های ترجمه  
شده کودکان و نوجوانان بررسی کرده است.

۳) ترجمه‌گری اسامی خاص در پنج ترجمه

فارسی از صالح حسینی

صالح حسینی (۱۳۲۵-) از جمله مترجمان ایرانی است که چندین آثار شاخص ادبی جهان را از نویسندگان مختلف به فارسی برگردانده است. برای نمونه، حسینی از میان آثار مختلف، رمان‌هایی از ویرجینا وولف، جوزف کانراد، جرج آرول، و ویلیام فاکنر را ترجمه کرده است. به نظر می‌رسد هر یک از این نویسندگان سبک و سیاق خود را دارند. با این حال، حسینی در مقام مترجم ادبی توانسته است با تکرار برخی الگوهای تکرارشونده، ضمن حفظ ویژگی‌های سبکی این نویسندگان واجد سبک‌های منحصر به فرد، ویژگی‌های سبکی و در واقع، اثر انگشت خود را نیز پای این پنج ترجمه بگذارد. در این مطالعه، به ترجمه‌گری حسینی از نام‌های خاص در پنج رمان از دو نویسنده اشاره می‌شود: جرج آرول (۱۹۱۴) و مزرعه حیوانات و ویلیام فاکنر (خشم و هیاهو، آیشالوم! آیشالوم!، و برخیز ای موسی). به نظر می‌رسد ترجمه‌گری اسامی خاص یکی از راه‌های بررسی حضور گفتمانی مترجم و بالتیجه، پی بردن به سبک و سیاق مترجم در متون ترجمه‌شده باشد.

البته، بحث سبک و سبک‌شناسی از جمله مسائل دراز دامن و پیچیده مطالعات ادبی است و از بدو پیوند مطالعات ادبی با مطالعات ترجمه، مقوله سبک همواره از مباحث چالش‌برانگیز و پرچند و چون بوده است. برای سبک، تعاریف مختلف ارائه کرده‌اند و هر دوره و مکتب ادبی نیز سبک را به طرق مختلف تعریف کرده است. اما جملگی بر این باورند که سبک با چگونگی کاربرد زبان در ارتباط است. اینکه نویسنده چگونه از زبان برای بیان مقاصد خود

استفاده می‌کند. در یک تعریف شناخته شده، سبک را بررسی عادت‌های زبانی (linguistic habits) نویسندگان تلقی می‌کنند و در واقع، هر نویسنده برخی الگوهای تکرارشونده در استفاده از زبان دارد که عمدتاً به صورت ناخودآگاه از آنها استفاده می‌کند. این عادت‌های زبانی از نویسنده‌ای به نویسنده دیگر فرق می‌کند. نحوه‌ای که مثلاً وولف از عادت‌های زبانی خود استفاده می‌کند، از نحوه‌ای که آرول، کانراد و فاکنر از این عادت‌های زبانی استفاده می‌برند، یکسان نیست. حتی، عادت‌های زبانی یک نویسنده در آثار مختلف خود نیز یکسان نیست. حال، وقتی بحث ترجمه سبک نویسنده به زبانی دیگر به میان می‌آید، این عادت‌های زبانی دوچندان اهمیت می‌یابند. در اینجا، البته مسأله و معضلی مهم نیز پیشامد می‌کند: اگر سبک نویسنده، اثر انگشت نویسنده (بیکر، ۲۰۰۰) تلقی می‌شود، آیا این سبک در برگردان به زبانی دیگر باید حفظ شود یا تغییر کند؟ اگر قرار است حفظ شود، پس بر سر سبک و صدای مترجم چه می‌آید که خود ممکن است دارای سبک و صدای خاص خود باشد؟ اگر مترجم صاحب سبک باشد، پس بر سر سبک و صدای خود نویسنده اصلی چه می‌آید؟ در این جا به نظر می‌رسد بحث تعادل سبکی (stylistics equivalence) اهمیت پیدا می‌کند. از این حیث، سبک در ترجمه، در واقع، حفظ تعادل سبک نویسنده و سبک مترجم است. مترجم در عین وفاداری نقشی به سبک متن اصلی می‌کوشد که ویژگی‌های سبکی و در واقع، اثر انگشت خود را نیز در متن ترجمه شده، حفظ کند. روش‌های بسیاری

برای سنجیدن تعادل سبکی ارائه شده است. به نظر می‌رسد ترجمه‌گری اسامی خاص از جمله مقوله‌هایی باشد که بتوان بحث تعادل سبکی میان نویسنده و مترجم را در آن دنبال کرد. در واقع، به نظر می‌رسد مترجمان ممکن است از رهگذر شگردهایی که در ترجمه اسامی خاص - در گسترده‌ترین معنای کلمه - به کار می‌بندند، بتوانند ضمن حفظ ویژگی‌های متن اصلی، ویژگی‌های سبک و صدای خود را نیز حفظ کنند. از این منظر، ترجمه‌گری شگردهای اسامی خاص ممکن است از جمله راهبردهای ایجاد تعادل سبکی در بین متون اصلی و متون ترجمه‌شده محسوب شود. در این مقاله، شگردهایی که صالح حسینی در مقام مترجم ادبی برای ترجمه اسامی خاص پنج رمان از دو نویسنده به کار گرفته، از منظر الگوی پیشنهادی لپی‌هالم بررسی می‌شود.

#### ۴) روش تحقیق

از میان روش‌شناسی‌های مختلف برای بررسی ترجمه‌گری نام‌های خاص که صاحب‌نظران ارائه کرده‌اند، این مقاله، الگوی پیشنهادی لپی‌هالم (۱۹۹۷) را مبنا و چهارچوب عملی

بررسی قرار می‌دهد. همان‌گونه که پیش‌تر گفته شد این الگو سه مولفه اصلی و چندین زیرشاخه دارد: ۱) صورت نام‌های خاص متون مبدأ در زبان مقصد حفظ می‌شود (۲) نام‌های خاص با نام‌های دیگر جایگزین می‌شوند و (۳) نام‌های خاص حذف می‌شوند. به مؤلفه‌های فرعی این الگو در جدول‌های زیر اشاره شده است.

#### گردآوری دادگان

برای گردآوری دادگان، نام‌های خاص مشتمل بر نام شخصیت‌ها، نام مکان‌ها، و نام اشیاء ابتدا در ترجمه فارسی دو رمان آرول یعنی ۱۹۱۴ و مزرعه حیوانات، و سپس، همین نام‌ها در سه ترجمه فارسی سه رمان فاکتر یعنی خشم‌وهیاها، آبشالوم! آبشالوم! و برخیز ای موسی، جمع‌آوری و جدول‌بندی می‌شوند.

یک نویسنده، دو رمان، یک مترجم

صالح حسینی از جرج آرول دو رمان معروف مزرعه حیوانات و ۱۹۱۴ را ترجمه کرده است. ابتدا، گزیده‌ای از نام‌های خاص شخصیت‌ها، مکان‌ها، و اشیاء در این دو رمان گردآوری می‌شوند.

۱۹۱۴		مزرعه حیوانات	
برگردان	نام شخصیت	نام شخصیت	برگردان
وینستون اسمیت	Winston Smith	Mr. Jones	آقای جونز
امانوئل گلدشتاین	Emmanuel Goldstein	Mr. Fredrick	آقای فردریک
اوبراین	O'Brien	Mr. Pilkington	آقای پیل کینگتون
خانم پارسونز	Mrs Parsons	Mr Whympers	آقای وایمپر
تام	Tom	Pinkeye	چشم صورتی

تیلاتسون	Tillotson	Bluebell	بلوبل
ویترز	Withers	Jessie	جسی
آگیلوی	Ogilvy	Pincher	پینچر
سایم	Syme	Boxer	باکسر
روتفورد	Rutherford	Clover	کلور
شکسپیر	Shakespeare	Muriel	موریل
میلتون	Milton	Napoleon	ناپلئون
بایرون	Byron	Snowball	اسنوبال
کاترین	Katharine	Moses	موزز
آقای چارینگتون	Mr Charrington	Benjamin	بنجامین

جدول ۱: گزیده‌ای از نام شخصیت‌ها در دو رمان آرول / گزیده نام مکان‌ها در دو ترجمه رمان‌های آرول در جدول

زیر آمده است:

۱۹۸۴		مزرعه حیوانات	
برگردان	نام مکان‌ها	نام مکان‌ها	برگردان
لندن	London	Manor farm	مزرعه اربابی
اقیانوسیه	Oceania	England	انگلیس
باغچه	crazy garden	Ireland	ایرلند
آفریقا	Africa	Berkshire	برکشایر
مغولستان	Mongolia	Sugarcandy mountain	کوه پر از شهد و شکر
مدیترانه	Mediterranean	Willingdon	ولینگدون
اورسیه	Eurasia	Red lion	شیر سرخ
شرق‌اسیه	Eastasia	Animal farm	مزرعه حیوانات
ایسلند	Lceland	Foxwood farm	مزرعه فاکس وود
جزایر فارو	Faroe Islands	Pinchfield farm	مزرعه پینچ فیلد
انگلستان	England	Minorca	مینورکا
بریتانیا	Britain		
ایستگاه سن پانکراس	Saint Pancras Station		
جزایر آتلانتیک	British Isles		
پرتغال	Portugal		

جدول ۲: گزیده نام مکان‌ها در دو رمان آرول / گزیده‌ای از نام عمومی اشیاء و ترجمه آنها در جدول زیر

آمده است:

۱۹۸۴		مزرعه حیوانات	
نام اشیاء	برگردان	نام اشیاء	برگردان
Ministry of Truth	وزارت حقیقت	March	مارس
Minitrue	وزارت حقی	June	ژوئن



Minipax	وزارت اصل	October	اکتبر
Miniluv	وزارت عشق	January	ژانویه
Miniplenty	وزارت فراوانی	November	نوامبر
Records Department	اداره بایگانی	August	آگوست
Fiction Department	اداره فیکشن		
Junior Anti-Sex League	گروه جوانان ضد سکس		
Inner Party	حزب مرکزی		
The Brotherhood	انجمن اخوت		

جدول ۳: گزیده نام اشیاء در دو رمان آرول

(foreignized translation) می‌گراید، به سمت راهبرد

دوم (یعنی جایگزینی نام با نامی دیگر به همراه

زیرمجموعه‌های آن) که به ترجمه‌ای غرابت‌زدا

(domesticated translation) سوق می‌یابد، نشان

تحلیل دادگان نام‌های خاص در دو ترجمه فارسی

رمان‌های جرج آرول

می‌دهد تا چه اندازه مترجم کوشیده است از ساختارهای

متن اصلی فاصله بگیرد و به ساختارهای زبان مقصد نزدیک

برای آنکه بتوان از شیوه‌های راهبردی صالح حسینی از

شود.

رهگذر ترجمه‌گری نام‌های خاص در این سه رمان، تحلیلی

دقیق‌تر به دست داد، به الگوی لپهالم (۱۹۹۷) اشاره می‌شود

تحلیل کلی دادگان

که به صورت جزئی‌تر ذیل تحلیل دادگان به آنها اشاره

بسامد استفاده صالح حسینی از مؤلفه‌های الگوی لپهالم

خواهد شد. بر اساس مؤلفه‌های این الگوی راهبردی،

(۱۹۹۷) در ترجمه فارسی دو رمان آرول در جدول زیر آمده

حرکت از راهبرد اول (یعنی انتقال همان نام به همراه

است:

راهبردهای فرعی) که به ترجمه‌ای غرابت‌زا

نشانه	نام راهبرد	بسامد در ترجمه حسینی
(I)	انتقال همان نام (بدون تغییر و مطابق صورت قراردادی آن در زبان مقصد)، با سه زیرمجموعه:	-
ia	استفاده از همان نام	-
iaa	حفظ صورت آوایی و نوشتاری نام	۵۵
iab	تغییر صورت آوایی و نوشتاری نام	۲۶
ib	استفاده از همان نام به همراه توضیح اضافی	-
iba	ذکر توضیح و توصیف برای خواننده	-
ibb	ارجاع خواننده به نامی آشنا در فرهنگ مقصد	-
ic	استفاده از همان نام به اضافه توضیح جزئیات، برای نمونه، در قالب پانوش	۴
iic	حفظ بخشی از نام و ترجمه بخش دیگر	۵
(II)	جایگزینی نام با نامی دیگر که دو زیرمجموعه دارد:	-



-	جایگزینی نام با نامی دیگر در زبان مبدأ	iia
۱۱	جایگزینی نام با نامی دیگر در زبان مقصد	iib
۱۵	جایگزینی نام به وسیله نام زبان مقصد به همراه مقداری اطلاعات و راهنمایی	iiba
۶	جایگزینی نام با نام زبان مقصد به همراه پانویس	iibb
۳	جایگزینی نام بدون ارائه توضیح	iibc
۳	جایگزینی نام با نامی دیگر در زبان مبدأ	iibd
-	حذف نام که دو زیر مجموعه دارد	(III)
-	حذف نام اما انتقال مفهوم به کمک نام دیگر	Iiia
-	حذف هر دو نام	iiib

جدول ۴: بسامد راهبردهای حسینی بر اساس الگوی لپهالم

(۱۹۹۷) در دو رمان اُرول

این‌که، این ویژگی‌های سبکی ممکن است به مسأله‌ای کلی‌تر در سطح کلان هم منجر شود که از آن می‌توان به حضور گفتمانی (discursive presence) و صدای مترجم (translator's voice) در زبان و فرهنگ مقصد یاد کرد که پرداختن به آن بحثی مستوفای می‌طلبد.

یک نویسنده، سه رمان، یک مترجم

صالح حسینی علاوه بر دو رمان از جرج اُرول، سه رمان، خشم و هیاهو، آبشالوم! آبشالوم! و برخیز ای موسی را نیز از فاکتر ترجمه کرده است. در اینجا، ابتدا، به ترجمه‌گری حسینی از نام خاص شخصیت‌ها، سپس، به برگردان نام مکان‌ها، و در نهایت، به برگردان نام اشیاء از منظر الگوی لپهالم اشاره می‌شود. ابتدا، نام خاص شخصیت‌ها و ترجمه آنها در سه رمان فهرست می‌شود:

همان‌گونه که از جدول پیداست، حسینی از راهبردهای لپهالم به نسبت‌های مختلف استفاده برده است. بسامد این مؤلفه‌ها نشان می‌دهد صالح حسینی کوشیده است به نسبت‌های مختلف هم از راهبردهای ترجمه غرابت‌زا استفاده برد که وفاداری وی را به ویژگی‌های متن اصلی نشان می‌دهد که از جمله شاخص‌های سبکی متن و نویسنده اصلی است، و هم از راهبردهای ترجمه غرابت‌زدا که توجه وی را به حفظ ویژگی‌های سبکی زبان فارسی نشان می‌دهد. با این حال، نکته مهم این است که حسینی علاوه بر حفظ ویژگی‌های سبکی نویسندگان متون مبدأ، کوشیده است از رهگذر راهبردهای غرابت‌زدایی، ویژگی‌های سبکی خود را نیز به نمایش بگذارد. طرفه

برخیز ای موسی		آبشالوم! آبشالوم!		خشم و هیاهو	
برگردان	نام شخصیت	نام شخصیت	برگردان	نام شخصیت	برگردان
ISAAC McCASLIN	اسحاق مکازلین	Miss coldfield	میس کولدفیلد	Luster	لاستر
Uncle Ike	عمو اسو	Quentin compson	کونتین کامپسن	Caddie	کدی
Uncle Buck	دایی باک	Harward	هاروارد	Versh	ورش
Tomy's Turl	تامیزترل	Sutpen	ساتپن	Uncle Maury	دائی موری

Cass	کاس	Ellen	الن	Benjamin	بنجامین
Hubert Beauchamp	هوبرت بوچام	Miss Rosa Coldfield	میس رزا کولدفیلد	Caroline	کارولین
Miss Sophonsiba	میس سوفونسبیا	Judith	جودیت	Dilsey	دیلسی
Tennie	تنی	Henry	هنری	Roskus	راسکوس
		Thomas	تامس	Cahline	کاولین
				Queenie	کوینی
				T.P	تی پی
				Fancy	فنیسی
				Mrs Patterson	خانم پاترسن
				Quentin	کونتین
				Jason	جیسون

جدول 5: گزیده‌ای از نام شخصیت‌ها در سه رمان فاکتر گزیده‌ی اسامی مکان‌ها در سه ترجمه‌ی رمان فاکتر در جدول

زیر آمده است:

برخیز ای موسی		آبشالوم! آبشالوم!		خشم و هیاهو	
برگردان	نام مکان‌ها	برگردان	نام مکان‌ها	برگردان	نام مکان‌ها
Jefferson	جفرسن	Yaknapatawpha	یاکناپاتاوپا	Harvard	هاروارد
Warwick	واریک	Virginia	ویرجینیا	Jefferson	جفرسن
Hall	سرسرا	Tennessee	تنسی	Mississippi	می سی سی پی
Gallery	هشتی	Mississippi	میسی سیپی	Avenue South Bend Indiana	خیابان ساوت بندایند یانا
Missippi	میسی سیپی	New Orleans	نیو اورلئان	America	امریکا
		Carolina	کارولینا	Cambridge	کمبریج
		Jefferson	جفرسن	salt lick	نمکزار
		Gallery	ایوان	French Lick	فرنچ لیک
				Canada	کانادا
				Havana	هاوانا
				Boston	بوستون
				Massachusetts	ماساچوست
				New England	نیو انگلند
				Pennsylvania	پنسیلوانیا
				Eddy	ادی

جدول 6: گزیده‌ی نام مکان‌ها در سه رمان فاکتر گزیده‌ی اسامی عمومی و ترجمه‌ی آنها در سه ترجمه‌ی رمان

فاکتر در جدول زیر آمده است:

برخیز ای موسی	آبشالوم! آبشالوم!	خشم و هیاهو
---------------	-------------------	-------------

نام اشياء	برگردان	نام اشياء	برگردان	نام اشياء	برگردان
Saddle	زین	Blinds	آفتابگیر	Christmas	کریسمس
rein	مهمیز	Wooden trellis	داربست چوبی	Santy Claus	بابا نوئل
Saddle	افسار	Hard chair	صندلی فلزی	Cemetery	اهل قبور
Leash	قلاده	Water color	آب رنگ	August	اوت
Whip	شلاق	Pick	کلنگ	valley	وادی مرگ
Jug of buttermilk	قمقمه شیر	Axe	تبر	Chimaera	خیمایر
Necktie	پاپیون	Lace	سجاف	Eden	عدن
Dinner horn	شپیور شام			steepleUnitarian	کلیسای موحدین
Gate-post	دیرک دروازه			Pony	تادی
Lamp	آبازور			Sassprilluh	ساساپاریا
Floor-board	تخته پوش			Galilee	دریای جلیل
				Easter	عید پاک
				Decoration Day	روز یادبود
				Yankees	ینگه ای

در جدول ۸، بسامد نام شخصیت‌ها در این سه رمان فاکتر

جدول ۷: گزیده نام اشياء در سه رمان فاکتر

از منظر الگوی لیبهالم (۱۹۹۷) آمده است:

نشانه	نام راهبرد	خشم و هیاهو	آبشالوم! آبشابوم!	برخیز ای موسی	بسامد در سه ترجمه
Iaa	حفظ صورت آوایی و نوشتاری نام	۱۲	۸	۴	۲۴
iab	تغییر صورت آوایی و نوشتاری نام	۲	۱	۲	۵
iic	حفظ بخشی از نام و ترجمه بخش دیگر	۴	۰	۲	۶
iib	جایگزینی نام با نامی دیگر در زبان مقصد	-	-	-	-
Ib	استفاده از همان نام به همراه توضیح اضافی	-	-	-	-

جدول ۸: گزیده نام شخصیت‌ها در سه رمان فاکتر از منظر

لیبهالم

نشانه	نام راهبرد	خشم و هیاهو	آبشالوم! آبشابوم!	برخیز ای موسی	بسامد ر سه ترجمه
Iaa	حفظ صورت آوایی و نوشتاری نام	۱۵	۶	۲	۲۳
Iab	تغییر صورت آوایی و نوشتاری نام	۲	۱	۰	۳
Iic	حفظ بخشی از نام و ترجمه بخش دیگر	۴	۰	۰	۴
Iib	جایگزینی نام با نامی دیگر در زبان مقصد	-	-	-	-
Ib	استفاده از همان نام به همراه توضیح اضافی	-	-	-	-

جدول ۹: گزیده نام مکان‌ها در سه رمان فاکتر از منظر

لیبهالم (۱۹۹۷)

نشانه	نام راهبرد	خشم و هیاهو	آبشالوم! آبشابوم!	برخیز ای موسی	بسامد در سه
-------	------------	-------------	----------------------	---------------	-------------

ترجمه					
-	-	-	-	حفظ صورت آوایی و نوشتاری نام	Iaa
-	-	-	-	تغییر صورت آوایی و نوشتاری نام	Iab
-	-	-	-	حفظ بخشی از نام و ترجمه بخش دیگر	Iic
۴۵	۱۶	۱۴	۱۵	جایگزینی نام با نامی دیگر در زبان مقصد	Iib
۲	۰	۱	۱	استفاده از همان نام به همراه توضیح اضافی	Ib

جدول ۱۰: گزیده نام اشیاء در سه رمان فاکنر از منظر لپیهالم  
به بسامد کلی اقسام نام‌های خاص در سه رمان فاکنر با  
(۱۹۹۷)

ترجمه صالح حسینی اشاره می‌شود:

نشانه	نام راهبرد	خشم‌وهیاهو	آبشالوم! آبشابوم!	برخیزای موسی	بسامد در سه ترجمه
(I)	انتقال همان نام (بدون تغییر و مطابق صورت قراردادی آن در زبان مقصد)، با سه زیرمجموعه:	-	-	-	-
ia	استفاده از همان نام				-
iaa	حفظ صورت آوایی و نوشتاری نام	۲۷	۱۴	۷	۴۶
iab	تغییر صورت آوایی و نوشتاری نام	۴	۲	۲	۸
ib	استفاده از همان نام به همراه توضیح اضافی	۱	۱	۰	۲
iba	ذکر توضیح و توصیف برای خواننده	۰	۰	۰	-
ibb	ارجاع خواننده به نامی آشنا در فرهنگ مقصد	۰	۰	۰	-
ic	استفاده از همان نام به همراه توضیح جزئیات، برای نمونه، در قالب پانوش	-	-	-	-
iic	حفظ بخشی از نام و ترجمه بخش دیگر	۸	۰	۲	۱۰
(II)	جایگزینی نام با نامی دیگر که دو زیرمجموعه دارد:	-	-	-	-
iiia	جایگزینی نام با نامی دیگر در زبان مبداء	۰	۰	۰	۰
iibb	جایگزینی نام با نامی دیگر در زبان مقصد	۱۵	۱۴	۱۶	۴۵
iiba	جایگزینی نام به وسیله نام زبان مقصد به همراه مقداری اطلاعات و راهنمایی	۰	۰	۰	۰
iibb	جایگزینی نام با نام زبان مقصد به همراه پانویس	-	-	-	-
iibc	جایگزینی نام بدون ارائه توضیح	۰	۰	۰	۰
iibd	جایگزینی نام با نامی دیگر در زبان مبداء	-	-	-	-
(III)	حذف نام که دو زیرمجموعه دارد:	-	-	-	-
iiia	حذف نام اما انتقال مفهوم به کمک نام دیگر	-	-	-	-
iiib	حذف هر دو نام	-	-	-	-
iiic	حذف بخشی از نام بدون توضیح	-	-	-	-

جدول ۱۱: بسامد کلی نام‌های خاص در سه رمان فاکنر با  
ترجمه حسینی بر اساس لپیهالم (۱۹۹۷)

## ۵) نتایج و بحث و بررسی

### دو نویسنده، پنج رمان، یک مترجم

این مقاله قصد داشت نشان بدهد چگونه ممکن است مترجمان ادبی ضمن حفظ ویژگی‌های سبکی و فرهنگی نویسندگان، گفتمانی و به همین ترتیب، سبک و صدای خود را نیز در ترجمه‌ها نشان بدهند. برای این منظور، کوشش شد ترجمه‌گری صالح حسینی در مقام مترجم ادبی در ترجمه نام‌های خاص به مثابه مقولات سبکی و فرهنگی نویسندگان بر اساس راهبردهای غرابت‌زایی/زدایی بررسی شود. این مقاله، از میان الگوهای مختلف، الگوی لیپهالم (۱۹۹۷) را به مثابه چهارچوب نظری و عملی خود انتخاب کرد. دادگان نیز از پنج رمان دو نویسنده یعنی جرج اُرول و ویلیام فاکتر جمع‌آوری شدند. به نظر می‌رسد بررسی آثار یک نویسنده که مترجم یکسان دارند نیز از منظر ترجمه‌گری نام‌های خاص جالب باشد. در واقع، ممکن است بتوان از منظر الگوی لیپهالم (۱۹۹۷)، به الگو و یا الگوهایی تکرارشونده در کار یک مترجم دست یافت. اگر حصول به این الگوهای تکرارشونده ممکن باشد، آنگاه ممکن است این فرضیه را مطرح کرد که ترجمه‌گری نام‌های خاص از منظر الگوهای رایج در مطالعات ترجمه و از جمله الگوی لیپهالم، می‌تواند راه بررسی ویژگی‌های سبک‌شناختی مترجم در مقام نویسنده دوم را در زبان مقصد هموار کند و همچنین، زمینه را برای بررسی حضور مترجم

همان‌گونه که پیداست، صالح حسینی در ۴۶ نمونه، راهبرد صورت‌آوایی و نوشتاری نام را در زبان مقصد حفظ کرده است؛ در ۴۵ نمونه، شگرد نام خاص را با نامی دیگر در زبان مقصد جایگزین کرده است؛ در ده نمونه، بخشی از نام را حفظ، و بخشی دیگر را ترجمه کرده است؛ در ۸ نمونه، صورت‌آوایی و نوشتاری نام را تغییر داده است؛ و در ۲ نمونه، شگرد همان نام مبدأ را در ترجمه استفاده کرده، اما در پانویس، توضیحاتی آورده است. در نگاهی کلی می‌توان گفت که حسینی در ترجمه نام‌های خاص سه رمان فاکتر هم کوشیده است از رهگذر کاربست راهبردهای غرابت‌زایی (foreignizing strategies) به ویژگی‌های اصلی متون و به همین ترتیب، به ویژگی‌های سبکی ویلیام فاکتر وفادار بماند و از همین طریق، بخشی از ویژگی‌های فرهنگی زبان مبدأ را از طریق حفظ الگوهای آن، در زبان مقصد حفظ کند. از سوی دیگر، حسینی در مقام مترجم صاحب‌سبک، کوشیده است از رهگذر کاربست راهبردهای غرابت‌زدایی (domesticating strategies) به ویژگی‌های زبانی و فرهنگی زبان مقصد که زبان فارسی است، وفادار بماند و از همین طریق، ویژگی‌های فرهنگی زبان فارسی را از طریق حفظ الگوهای آن حفظ کند. در عین حال، حسینی از رهگذر وفاداری به ویژگی‌های سبکی و فرهنگی زبان فارسی، کوشیده است ویژگی‌های سبکی خود را حفظ کند و مسیر را برای اعلان حضور گفتمانی و به طریق اولی، صدای خود در مقام مترجم ادبی، هموار کند.

از رهگذر حالت‌ها، سبک، و صدای مترجم در متون ترجمه شده فراهم آورد.

حال، پرسش اینجاست که قرار است مطالعات ترجمه‌متون ادبی از بررسی ترجمه‌گری نام‌های خاص که مترجمان انجام می‌دهند، چه نصیب ببرد؟ البته، در خلال بحث به این پرسش، پاسخ‌هایی داده شده است. در کل، با بررسی ترجمه‌گری نام‌های خاص در ترجمه‌های صالح حسینی، می‌توان گفت حسینی در مقام مترجم ادبی، در عمده‌کنش‌های ترجمه‌گری و در بیشتر رمان‌هایی که ترجمه کرده، گرایش نشان داده است که در وهله نخست با حفظ صورت آوایی و نوشتاری نام، ویژگی‌های سبکی متون مبدأ را تا حد امکان در زبان و فرهنگ مقصد نشان بدهد. در عین حال، حسینی با جایگزینی نام‌های خاص به ویژه نام گل‌ها، گیاهان یا مواد غذایی با نام‌های مشابه در زبان مقصد کوشیده است دست‌کم در سطح واژگان، وفاداری خود را به ویژگی‌های سبکی و فرهنگی زبان مقصد نشان بدهد. اگر بتوان سبک را عادت‌های زبانی نویسنده/مترجم در نظر گرفت که بخش عمده آن، ناخودآگاه در آثار مختلف تکرار می‌شود، ممکن است بتوان این ادعا را مطرح کرد که گرایش حسینی به حفظ ویژگی‌های زبان و فرهنگ مبدأ و مقصد از رهگذر راهبردهای غرابت‌زایی و غرابت‌زدایی از جمله حفظ صورت آوایی و نوشتاری (راهبردهای غرابت‌زایی) از یک سو، و جایگزینی نام با نامی مشابه از سوی دیگر (راهبردهای غرابت‌زایی)، ممکن و محتمل است که ویژگی

سبکی حسینی در مقام مترجم و به طریق اولی، نشانه‌های حضور گفتمانی و صدا و موقعیت وی در مقام کارگزار فعال در متونی به شمار آید که ترجمه کرده است. از این حضور و به رخ کشیدن عادت‌های زبانی مترجم از رهگذر عوامل درون‌زبانی - گیریم در سطح اقلام واژگانی - به سبک شناسی مترجم یاد می‌کنند که با سبک شناسی نویسنده هم‌ارز و از یک طریق یکسان بررسی‌شدنی هستند. در یک کلام، اگر نویسندگانی که حسینی آثارشان را ترجمه کرده، صاحب سبک‌اند که هستند، خود حسینی نیز در مقام مترجم ادبی، صاحب سبک است و در ترجمه‌هایش حضور دارد. در کل، همه بحث سبک‌شناسی مترجم این است که مترجم برای انتقال سبک‌شناسی نویسنده مجبور به انجام پاره‌ای تغییرات، حک و اصلاحات، و دستکاری‌های اجباری (obligatory shifts) و اختیاری (optional shifts) است که ماحصل آنها، ممکن است به بخشی از سبک‌شناسی مترجم منجر شود. در واقع، مترجم برای آنکه سبک نویسنده را در زبان مقصد بازآفرینی کند، خود باید صاحب سبک باشد. با این وصف، سبک نویسنده با سبک مترجم یکسان است، گو اینکه عامل انتقال این سبک، یعنی زبان، از متن مبدأ به مقصد فرق می‌کند که کاملاً طبیعی است. وانگهی، نگره اصلی پس پشت سبک‌شناسی مترجم به بود یا نبود مترجم در متون ترجمه‌شده بازمی‌گردد که خود بحثی مستوفای طلبد. با این حال، کلیات آن این است که ایدئولوژی و به ویژه هژمونی غالب که عمدتاً در جوامع

مقتدر رواج دارد، از مترجم می‌خواهد که در متن ناپیدا و نامرئی باشد تا بتواند حضور بلافصل نویسنده اصلی را پررنگ نشان بدهد. در واقع، بر اساس این ایدئولوژی، آنچه اصالت دارد، نویسنده در مقام خالق متن و آفریننده آن گوهر وجودی و مکنون اثر است که معنا نام دارد؛ وظیفه مترجم فقط انتقال و بازآفرینی متن اصلی و آن گوهر مکنون در زبان مقصد است. در واقع، بر اساس این ایدئولوژی، مترجم، «خدمتکاری» بیش نیست که در خدمت متن اصلی و در واقع، مسئول انتقال آن معنای مکنون به زبان مقصد است. از این حیث، این باور ترجمه را در اصل، فعالیتی ثانویه، اشتقاقی، مکانیکی، و غیرخلاقانه در نظر می‌گیرد. با این حال، بحث این است که مترجم در فرایند ترجمه‌گری نمی‌تواند در متن مداخله نکند و در واقع، مجبور به مداخله و گاه شرح و تفسیر متن است. مترجم اولین مفسر و معبر متن و اولین خواننده متن است. مترجم ناگزیر به مداخله است هم بواسطه اجبارها و استلزامات زبانی، و هم به سبب اینکه، خود واجد سبک و صداست و نمی‌تواند در ترجمه مداخله نکند. حال، اگر چنانچه بوفون می‌گوید: «سبک، خود انسان/نویسنده است، می‌توان گفت که در ترجمه‌گری هم سبک، خود مترجم است. اگر نویسنده در کار خلاقانه خود صاحب سبک است، مترجم نیز در کار خلاقانه خود که همان ترجمه است، صاحب سبک است. اما، ایدئولوژی غالب می‌خواهد که مترجم از متن غایب باشد؛ که مترجم در ترجمه نامرئی شود؛ و در یک کلام، مترجم در متن حضور نداشته باشد. اما واقعیت این است که مترجم در متن

حضور دارد و فعالیتی که انجام می‌دهد، اگر عالی‌تر از کار نویسنده نباشد، دانی‌تر نیست، چه مترجم، نویسنده ثانویه متن است و اگر خواننده با نویسنده‌ای در فرهنگ مقصد آشنا می‌شود، شک نکنیم که از رهگذر سبک و صدای مترجم آن اثر است. چگونه می‌شود خوانندگان یک اثر، متنی ترجمه شده را بخوانند و لذت ببرند، اگر پای مترجم در میان نباشد؟ در واقع، خوانندگان از اثر نویسنده اصلی لذت می‌برند، اما بواسطه و از زبان و ذهن چه کسی؟ پیداست که خوانندگان اثر، از رهگذر زبان و ذهن و بهتر است بگوییم، سبک و سیاق مترجم است که از اثر اصلی لذت می‌برند، اما چنان هم نیست که مترجمان بخواهند نویسندگان و ویژگی‌های اثر اصلی را به کل در اثر ترجمه‌شده، مستحیل و ناپیدا کنند. به نظر می‌رسد ترجمه کارآمد، حاصل دو نواخت نویسنده و مترجم است: ترجمه نه نواخت نویسنده است و نه نواخت مترجم، چنانکه ارکستر مثلاً پیانو و ویولون، نواخت پیانیست و ویولونیست است و خواننده این دو نواخت را در کنار هم می‌بیند و لذت می‌برد، چنان‌که اگر یکی، نواختی ناکوک بزند و باصطلاح، «خارج بزند»، نتیجه به گوش شنونده خوشایند نمی‌رسد. ارکستر کارآمد، هم‌نوازی دو نواخت است، و ترجمه که اثری بدیع و سنتزی از دو نواخت است، به تعبیر هلیکا پکانن (۲۰۱۰)، «دونوازی (duet) نویسنده و مترجم» است: هم ویژگی‌های سبکی نواخت نویسنده را دارد و هم ویژگی‌های زبانی و انتخاب‌ها و گزینش‌های سبکی نواخت مترجم را دارد که مترجم از میان هزاران گزینش از گنجینه



زبان مادری خود اختیار کرده است. در اینجا، می‌توان این فرضیه را مطرح کرد که ترجمهٔ هماهنگ، حاصل نواخت مترجمان با نواخت نویسندگان است که این نویسنده در جایی دیگر مفصل بدان پرداخته است (حری، در دست چاپ).

### نتیجه‌گیری

در مجموع، ممکن است بتوان این ادعا را مطرح کرد که گرایش حسینی در مقام مترجم ادبی به حفظ ویژگی‌های زبان و فرهنگ مبدأ و مقصد از رهگذر کاربست راهبردهای به ترتیب، غرابت‌زایی و غرابت‌زدایی ممکن و محتمل است و ویژگی سبکی حسینی در مقام مترجم و به طریق اولی، نشانه‌های حضور گفتمانی وی در متون ترجمه‌شده در شمار آید که بر اساس الگوی لپی‌هالم (۱۹۹۷) در قالب حفظ صورت آوایی و نوشتاری از یک سو، و جایگزینی نام با نامی مشابه از سوی دیگر خود را نشان می‌دهد. از این حضور به سبک‌شناسی مترجم یاد می‌کنند که با سبک‌شناسی نویسنده قیاس شدنی خواهد بود. در مجموع، می‌توان به چند یافتهٔ مشخص‌تر اشاره کرد:

(۱) اگر سبک را عادت‌های زبانی نویسندگان در نظر بگیریم که از طریق الگوهای تکرار شونده به صورت آگاهانه یا ناآگاهانه در متون تکرار می‌شوند، در متون ترجمه شده هم می‌توان به

طریق اولی، از این عادت‌های زبانی و الگوهای تکرار شونده سراغ گرفت.

(۲) اگر این عادت‌های زبانی و الگوهای تکرار شونده را بتوان ذیل سبک‌شناسی نویسنده جای داد، می‌توان در فرایند ترجمه هم سبک‌شناسی مترجم را بررسی کرد.

(۳) همان‌گونه که سبک‌شناسی نویسنده از منظر الگوهای مختلف ردیاب‌پذیر هست، سبک‌شناسی مترجم نیز از منظرهای مختلف ردیاب‌پذیر می‌شود.

(۴) الگوی لپی‌هالم (۱۹۹۷) یکی از الگوهای ردیاب‌شونده است که به سبب مؤلفه‌هایی که دارد می‌تواند راهبردهای خاص مترجمان و از جمله راهبردهای غرابت‌زایی/زدایی مترجمان را نشان بدهد.

(۵) حسینی در ترجمه‌های مختلف از نویسندگان مختلف نشان داده که از برخی الگوها و عادت‌های زبانی خاص استفاده برده است.

(۶) حسینی در عمدهٔ ترجمه‌ها و به ویژه در پنج ترجمه از دو نویسنده که در اینجا بررسی شدند، نشان داد که هم از راهبردهای غرابت‌زایی بهره گرفته است و هم از راهبردهای غرابت‌زایی.

۷) حسینی با کاربری این راهبردها هم به حفظ ویژگی‌های زبانی و فرهنگی نویسندگان متون اصلی وفاداری نشان داده و هم به حفظ ویژگی‌های زبانی و فرهنگی زبان مقصد.

۸) ترجمه‌گری نام‌های خاص از جمله شیوه‌های بررسی ویژگی‌های زبانی و سبکی نویسندگان است که ممکن است مسیر را برای بررسی ویژگی‌های زبانی و سبکی مترجمان هموار کند.

۹) اگر بنا به قولی مشهور، سبک، خود نویسنده

است، می‌توان گفت که در ترجمه‌گری هم سبک، خود مترجم است.

۱۰) سبک‌شناسی ترجمه، حاصل هم‌نواری نویسنده و مترجم است، چنان‌که پکانن نشان داده است.

## منابع

أرول، جرج (۱۳۸۹). *مزرعه حیوانات*. ترجمه صالح حسینی و معصومه نبی‌زاده. دوستان.

أرول، جرج (۱۳۸۹). ۱۹۱۴. ترجمه صالح حسینی. نیلوفر.

حُرّی، ابوالفضل (۱۳۹۸). *سخت‌ترجمه‌پذیری اسماء‌الحسنی با تکیه بر الگوهای رایج در ترجمه انگلیسی نام‌های خاص*. *مطالعات ترجمه قرآن و حدیث*، ۶ (۱۱)، ۶۸-۳۷.

حُرّی، ابوالفضل (۱۳۸۹). *ترجمه گفتمان غیرمستقیم آزاد در سه ترجمه به سوی فانوس دریایی*. *پژوهش‌های زبان‌های خارجی*، ۵۷، ۱۹-۳۹.

عنابی سراب، محمدرضا (۱۳۸۸). *بررسی ترجمه اسامی خاص در رمان‌های ترجمه‌شده از انگلیسی به فارسی برای نوجوانان*. *مطالعات ترجمه*، ۷ (۲۸)، ۳۰-۹.

فاکتر، ویلیام (۱۳۸۸). *خشم و هیاهو*. ترجمه صالح حسینی. نیلوفر.

فاکتر، ویلیام (۱۳۹۸). *برخیز ای موسی*. ترجمه صالح حسینی. نیلوفر.

فاکتر، ویلیام (۱۳۹۷). *آبشالوم! آبشالوم!* ترجمه صالح حسینی. نیلوفر.

میرزاسوزنی، صمد (۱۳۸۷). *ترجمه اسامی خاص، مشکلات و راهکارها*. *مطالعات ترجمه*، ۶ (۲۱)، ۲۴-۷.

Baker, M. (2018). *In other words: A course book on translation*. Routledge.

Baker, M. (2000). *Towards a methodology for investigating the style of a literary translator*. *Target* 12(2), 241-266.

Fernandes, L. (2006). *Translation of names in children's fantasy literature: Bringing young reader into play*. [On-line]. Available at <http://www.iatis.org/newvoices/issues/2006/fernandes-paper-2006>

Hervey, S., & Higgins, I. (2016/1992). *Thinking translation*. Routledge.

Leppihalme, R (1997). *Culture bumps: An empirical approach to the translation of allusions*. British Library.

Mezmaz, M. (2012). *Problems of idioms in translation. Case study: First year master*. M.A Thesis. Mentouri University.

Newmark, P. (1988). *A textbook of translation*. Prentice- Hall International.

Pekkanen, H. (2010). *The duet between the author and the translator: An analysis of style through shifts in Literary Translation (Unpublished doctoral dissertation)*. University of Helsinki.

Särkkä, H. (2017) *Translation of proper names in non-fiction texts* [on-line]. Available at <http://translationjournal.net/journal/39proper.htm>.

Vermeer, J. H. (2007). Is translation a linguistic or a cultural process?. *Ilha do Desterro A Journal of English Language, Literatures in English and Cultural Studies*, (28), 037-051.

Wu, J. (2008). The Analysis of cultural gaps in translation and solutions. *English Language Teaching*, 1(2), pp. 123-127.

